

بسمه تعالی

نگار من که به مکتب نرفت و خط ننوشت به غمزه مسئله آموز صد مدرس شد

فرا رسیدن عید خجسته بعثت خاتم الانبیاء و المرسلین حضرت محمد (ص) را به همه همکاران عزیز و خانواده دانشگاه فنی و حرفه ای تبریک می گویم. همچنین از پیام ها و لطف شما نسبت به پیام تبریک سال نو تشکر می کنم. مبعث رسول گرامی اسلام (ص) موقعیت مغتنمی است تا با تکیه به تعالیم رسول امین و فرستاده ویژه خداوند متعال، راه تعالی و رستگاری خود و جامعه اسلامی را هموارتر سازیم.

هزار و چهار صد و سی و شش سال از عمر اسلام عزیز هدیه پاک رسول خدا (ص) به پیروان آیین پاک محمدی (ص) می گذرد. در این تاریخ بلند و پر فراز و نشیب، اسلام ابتدا توانست در پرتو کوشش و ایثار مجاهدان از شاخ آفریقا تا قرطبه و اندلس در اروپا و بعد سرتاسر جهان عرب، ایران، عثمانی و هند گسترش یابد. میوه این دوره، ظهور پرشکوه «تمدن اسلامی» در «قرون طلایی» چهارم و پنجم هجری بود که برخاسته از تعالیم قرآن، سیره نبوی و ائمه اطهار (ع) و تلاش اندیشمندان بزرگی چون بوعلی، ابوریحان، غزالی، خواجه نصیر، ذکریای رازی و صدها دانشمند دیگر بود.

از قرن شانزدهم میلادی به بعد با آغاز رنسانس در کشورهای اروپایی، تمدن اسلامی به دلایل مختلف رو به افول نهاد تا دوره معاصر. در این دوره از نیمه دوم قرن نوزدهم بتدریج «نهضت بیداری و احیای اسلام» با رهبری بزرگانی چون سید جمال الدین اسدآبادی و محمد عبده آغاز شد. سید جمال الدین و تمام منادیان احیا و بازسازی اسلام این واقعیت را بدرستی دریافته بودند که:

اسلام به ذات خود ندارد عیبی هر عیب که هست از مسلمانی ماست

بر این مبنا، هزاران اندیشمند بزرگ از یک قرن و نیم گذشته تا به امروز تلاش کردند تا اسلام را آنگونه که رسول گرامی حضرت محمد (ص) ابلاغ فرمودند و متناسب شرایط نوین زندگی و نیازهای امروز ما معرفی نموده و بشناسانند. نتیجه این نهضت و تحولات بیشماری که در طی قرن بیستم و در دهه های اخیر رخ داد، بیداری ملت های مسلمان و گسترش مجدد اسلام به سرتا سر عالم بوده است. امروز با توجه به بحران های ناشی از فروپاشی خانواده، «خلاء معنوی» و «بحران معنا» در درون جامعه و ملت های غرب، شاهد این واقعیت هستیم که علی رغم چالش های سیاسی دولت های غربی و دولت های مسلمان با یکدیگر، بسیاری از مردم مغرب زمین و جان های بیدار در این دیار به استقبال ارزش ها و تعالیم بنیادین اسلام مبنی بر صلح، اخلاق، معنویت و تفکر عرفانی آمده اند.

نشانه های این استقبال را در ابعاد مختلف می توان مشاهده کرد. وجود جمعیت انبوه مسلمانان، مساجد و کانون های فرهنگی و فکری آنان در تمام شهرهای اروپا و آمریکا، انتشار صدها و هزاران کتاب و مقاله درباره اسلام و تعالیم آن به زبان های اروپایی، ترجمه آثار اندیشمندان و ادبای مسلمان به زبان های اروپایی و از همه مهم تر اقبال شگفت انگیزی که مردم غرب به تعالیم عرفان و معنویت اسلامی در سه دهه اخیر داشته اند، همه و همه احیای مجدد اسلام در غرب است. بررسی ها گواهی می دهد که غربیان از کتاب های اسلامی، عرفانی و بخصوص مثنوی مولانا استقبال گسترده ای دارند.

کتاب مثنوی مولوی در اوایل دهه 1980 توسط یکی از شاعران بزرگ آمریکا بنام کولمن بارکس (Colmen Barks) با کمک یکی از استادان ایرانی رشته زبان فارسی در آمریکا بصورت شعر به انگلیسی ترجمه شد. این کتاب چنان با استقبال بی نظیر مردم رو به رو شد که هایدن ریس (Hydn Riess)، یکی از کارگردانان آمریکایی، را ترغیب به ساختن فیلم بلندی از زندگی مولانا کرد. دنیا امروز نیاز به لطافت معنوی و آرامش انسانی و الهی دارد. نفوذ مثنوی مولانا گواهی است بر این واقعیت که تعالیم اسلام می تواند پاسخگوی این نیاز بزرگ باشد. شاید بی مناسبت نباشد که سخن خانم پروفیسور آن ماری شیمل درباره تاثیر مولوی بر زندگی و شخصیت او را بیان کنیم تا دریابیم که چگونه برآستی تعالیم اسلام و سرمایه های فرهنگی ما می توانند منشاء نجات انسان امروز شوند. پروفیسور شیمل در جایی می نویسند:

هم اکنون در دورانی زندگی می کنیم که ظلم و کینه در آن شدت گرفته و زندگی بشر واقعاً در خطر است. من امیدوارم که سروده ها و نوشته های مولانا جلال الدین ما را به راه نجات هدایت کند و به سرچشمه حقیقت برساند. من شخصاً مولانا را در زمانی کشف کردم که جنگ جهانی آغاز شده بود و در آن روزگار سخت، شعرها و نوشته های او به من امکان داد که بر بدبینی و ناامیدی که بر روحم عارض شده بود، چیره شوم. خوشبینی مولانا و نگاه به آینده در عین اعتراض به دنیا و پلشتی ها، درس بزرگی است که از او می آموزیم.

مقصود از این توضیحات اشاره به این واقعیت است که اکنون که مردم جهان بار دیگر به اسلام روی آورده اند ما دانشگاهیان و پیروان رسول گرامی اسلام (ص) از موقعیت تاریخی و فرهنگی که در آن قرار گرفته ایم آگاه باشیم و با تلاش و کوشش خود از راه مشارکت جدی تر در مجامع علمی و فرهنگی، زمینه ارتقاء و توسعه علمی کشور را بیش از پیش هموار سازیم. بخصوص با توجه به این واقعیت که دولت های غربی در حال حاضر جامعه و دولت ایران را تحت فشارهای مضاعف قرار داده اند و مناقشات سیاسی را بهانه ای برای انزوای فرهنگی و بین المللی ایران کرده اند، ما دانشگاهیان وظیفه دینی و ملی خطیری در زمینه معرفی جامعه و فرهنگ ایران - به منزله بخشی از فرهنگ جهان اسلام - بر عهده داریم.

نکته دیگر در زمینه رسالت ما دانشگاهیان پر کردن برخی شکاف های عمیقی است که در جامعه امروز بوجود آمده است. شکاف هایی که در ذهن امروز انسان، بخصوص جامعه و انسان ایرانی وجود دارد و ما به منزله نخبگان فکری و دانشگاهی باید آن را بپوشانیم، به نحو کاملاً بارزی آشکار هستند. این شکاف ها عبارتند از شکاف در فهم گذشته، درک امروز و توانایی برای پرداختن به آینده. امروز این شکاف ها بصورت شکاف میان شناخت و دانش بشری از طبیعت و اشیاء از یک سو، و شناخت و دانش ما از «انسان» و «مردم» از سوی دیگر؛ شکاف بین شناخت انسان از جهان بیرون که هیچگاه به این عظمت نبوده است، و شناخت او از خودش، که بندرت به این میزان ناتوان بوده است؛ و شکاف بین حس هویت و تعلق در ما به منزله یک ملیت، قوم، و مذهب از یک سو، و تعلق داشتن به بشریت و جهانی شدن از سوی دیگر. ایران رو به تحول و پیشرفت است و انشاء الله بزودی شاهد ظهور تمدن ایرانی-اسلامی خواهیم بود. اما «زایش های اجتماعی» با درد های شدیدی همراه است و به نظر می رسد جامعه ایران آمادگی های لازم روانی و ذهنی آن را ندارد. جامعه ایران نیازمند آن است که با نگاه دیگری با استفاده از تجارب جهانی موجود به شناخت این شکاف ها بپردازد. به قول آلبرت انیشتین «اکثر مشکلاتی که ما با آن رو به رو می شویم با همان سطح تفکری که آنها را بوجود آورده ایم قابل حل نیستند.» ما دانشگاهیان با توجه به دسترسی به منابع علمی و تجارب جهانی می توانیم خالق «سطح تفکری» باشیم که بتواند حلال مشکلات جامعه ایران باشد.

ما دانشگاهیان، امروز از راه تولید علم و دانش و از راه تولید آگاهی و نوشتن می توانیم سطح تفکری مناسب حل مشکلات کشور ایجاد کنیم. بخصوص در نقش نوشتن باید تاکید بیشتر کرد زیرا سلاح اندیشمند از هر سنخی که باشد نوشتن است. تولید دانش و آگاهی بخشی، نیازمند انگیزه های عاطفی و شناختی و ایمانی بسیار قوی است. هرگز نمی توان با تلاش کم به نتایج شگرف در حیطه دانش دست یافت. باید دردها و دغدغه های ملی، مذهبی، خانوادگی و عاطفی و فردی بسیاری بر روی هم انباشته و متراکم شوند تا فرد را برای تحمل راه پر مشقت و دشوار اندیشیدن و تولید دانش آماده کند. به تعبیر زیبای سیدعلی صالحی که:

نمی دانم کجا خواندم بر آب

که هر چه بنویسی آب

باران نخواهد بارید

مهم آسمانی است که بر بالای گریه هایت

رازدار تکلم تشنگی ست

لذا بیاییم در این فرصتی که از حضور در دانشگاه بعنوان مسئول، مدرس و یا کارمند داریم، به ویژه ما که از خانواده یک دانشگاه کارآفرین و ارزش مدار هستیم، با خود عهد کنیم که طرحی نو دراندازیم و سخن نو آرییم. برای دانشگاهیان هر لحظه ای می تواند آغاز یک نوآوری و یک انقلاب بزرگ فکری باشد. شرط تحقق آن این است که ما باور کنیم، بخواهیم، اراده کنیم و بگوییم:

مبعث پیامبر عظیم الشان اسلام فرصت مناسبی است تا در هر جایگاهی که قرار داریم برای آینده خود و برنامه های علمی، اجرایی، پشتیبانی و پژوهشی برنامه ریزی کنیم و استراتژی دانشگاهی خود را تعیین و تعریف کنیم. بقول الوین تافلر ما اگر استراتژی برای آینده و زندگی خودمان نداشته باشیم حتماً بخشی از استراتژی دیگران خواهیم شد. البته نمی توان برای کسی این استراتژی را از پیش تعیین کرد. به باور ما همان گونه که کسی نمی تواند شیهه زیستن یا دانشگاهی زیستن را به ما بیاموزد. ما باید با دست های خود تندیس تجربه ها را تراش دهیم و آنها را در خدمت اهداف دانشگاهی و فرهنگی بکار بندیم. آنچه می توان انجام داد تنها تبیین ضرورت ها و آگاهی داشتن از شرایط زمان و تاریخی است که پشت سر می گذاریم. ما دانشگاهیان از این موهبت برخورداریم تا خرد و دانش انسان امروز را بشناسیم، در حالیکه سرمایه بزرگ معنویت، عرفان و اخلاق شرق و اسلام را هم در اختیار داریم. ما نیازمند آن هستیم که دانش و معنویت را در هم آمیزیم.

با توجه به تمام واقعیت های مذکور امیدوارم خانواده دانشگاه فنی و حرفه ای دست در دست هم با استراتژی معین، آینده درخشانی را برای دانشگاه ترسیم کند. هر یک روز زندگی می تواند یک عمر دستاورد ببار آورد به شرطی که انسان توجه داشته باشد مهم «طول» زندگی نیست، بلکه «عمق» آن است. عمق زندگی هم تجارب است. زمانی میتوان به گسترش دانشگاه امیدوار بود که این خانواده با تلاش و سخت کوشی مضاعف و بدور از ناملایمات و نامهربانی ها و با تکیه بر تجارب گذشته، عمق زندگی دانشگاهی خود را تا بی نهایت ممکن گسترش دهد. شرط تحقق این هدف والا و مقدس نیز آنست که با توکل به ایزد منان، الهام از تعالیم رهایی بخش حضرت محمد (ص) و راه او که آغازگر انقلاب فرهنگی عظیم در تاریخ بشریت بود، با درهم آمیختن عشق، ایمان و معرفت طرحی نو در اندازد و همزمان با لسان الغیب سرود نشاط و سرور زمزمه کند که :

بیا تا گل برافشانیم و می در ساغر اندازیم

فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو دراندازیم

شاد و سربلند باشید

ناصر شمس